



۲۰۲۱/۰۸/۲۹

ولی احمد نوری

سید جمال الدین افغان بخش اول

نویسنده، فیلسوف و مؤرخ بزرگ فرانسوی در (Ernest Renan) «ارنست رونان» سالهای ۱۸۸۵م معاصر (سید جمال الدین افغان) در وصف او نوشته است: «زمانی که با سید جمال الدین افغان هم صحبت می شدم، حریت افکار و طبیعت نجیب و درست او، مرا به این اعتقاد وامی داشت که من در



برابر خودم یکی از آشنایان قدیم خویشتن را دارم. با حضور سید جمال الدین افغان و سخنانش تصور

میگرم "ابن سینا" یا "ابن رشد" یکی از آن آزاد مردان دنیا را می بینم که روح انسانیت بوده اند.

ارنست رونان فرانسوی



تمثال سید افغانی در ترکیه (۱)

در این اواخر کتابی به دستم رسید که بیشتر از چهل سال قبل به اهتمام و تدوین حبیب الرحمن جدیر در باره سید جمال الدین افغان به مناسبت برگزاری صدمین سال ورود سید جمال الدین افغان به مصر، منعقدۀ اسکندریه، در کابل به چاپ رسیده است.

در این کتاب تلاش شده تعدادی از رساله ها و مقالاتی که از طرف محققان و نویسندگان افغان و خارجی رقم شده اند جمع آوری و به سینه تاریخ کشور ما افغانستان عزیز سپرده شوند.

کوشش خواهم کرد این رساله ها و مقاله ها را که هر کدام سند محکمی برای ثبوت هویت افغانی این بزرگ مرد تاریخ است، در اینجا دوباره به نشر بسپارم تا از یکطرف در آرشیف بزرگ و با اهمیت پورتال وزین آریانا

افغانستان آنلاین جاگزین گردد و از جانب دیگر به کمک تکنالوژی پیش رفته این عصر در خدمت مطالعه سراسری همه افغان های عزیز در سراسر جهان قرار گیرد.

قبل از آنکه به نشر مجدد مقالات و رساله ها آغاز کنم می خواهم به صورت فشرده اندکی در باره این هموطن نامدار ما و زندگی پر بار و ماندگار وی معلومات عرضه نمایم.

سید جمال الدین افغان در ۱۲۵۴ هـ ق مطابق (۱۸۳۸م) در قریه اسعد آباد ولایت کنر در شرق افغانستان چشم به جهان گشود. هنوز طفلی بیش نبود که با پدر بزرگوارش سید صفدر که از مشاهیر علمای زمان خود بود به کابل آمد و تحصیلات خود را در کابل پایتخت افغانستان به پایان رساند. سپس روانه قاره هندوستان شد و در آنجا نیز به کسب دانش ادامه داد. و بعد از آن همانگونه که در آثار خودش و نویسندگان دیگر ذکر شده به کشور های زیادی سفر کرد و در راه اعتلای مسلمانان به فعالیت خستگی ناپذیر آغاز نمود و به دعوت آنها به اتحاد و مؤدت و مبارزه در راه آزادی و آموختن علم و دانش پرداخت. (۱)

سید جمال الدین افغان در اخیر عمر به کشور ترکیه اقامت داشت و در همانجا چشم از جهان پوشید. در سال ۱۳۲۳ ش (۱۹۴۴م) بنا بر هدایت پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و مؤافقت کشور دوست ترکیه عظام رمیم سید جمال الدین افغان به کابل انتقال یافت و در جوار پوهنتون کابل با مراسم خاص و با شکوهی به خاک سپرده شد که تا امروز زیارتگاه عام و خاص است. گذارش انتقال تابوت استخوان های سید جمال الدین افغان به وطنش بسیار جالب و دانستنی است که در لابلای یکی از مقالات به مطالعه شما خواهم رسانید.

مردی که تخت سودان را رد کرد

بقلم محمد نصر نویسنده مصری (۲)

تخلیص ، تصحیح و نشر مجدد : ولی احمد نوری



داستان زندگی سید جمال الدین افغان در مصر باید به نسل ها حکایت شود و از نسلی به نسلی انتقال یابد. این داستان است که عالیترین مفهوم قهرمانی را تمثیل می کند. نیرویی که به بهترین وجهی تلقین و هدایت می نمود جریان سیمینار

صدمین سال دیدار سید جمال الدین افغان از مصر، از طرف مجلس اعلای شئون اسلامی در اسکندریه مؤید این است: شعله ای را که صد و چند سال قبل جمال الدین افغان در مصر افروخت تا کنون خاموش نگردیده. . . و مصر هنوز هم در یاد و بود آن وفادار و با فضایلش آشنایی دارد، و به یمن آنچه به خاطر آن انجام میداد در خور تقدیر میباشد.

جمال الدین افغان بسیار چیزها را در کشور ما ایجاد کرد. بهترین سالهای عمر خود را با فداکاری و قربانی سپری نمود. پر ثمرترین دوران زندگی و شعور ملی خود را و درخشان ترین روزگار عظمت مبارزات خویش را به خاطر ما مصری ها به پایان رسانید. او متفکران کشور ما را رهبری کرد. او پدر معنوی و روحی و محرک نیرومند

رستاخیز و احیای مجدد مصر به شمار میرود و انقلابی را که در آن وقت برپا نمود تا امروز نهضت و بیداری ملی ما را تحریک می نماید.

اگرچه تفصیل آن داستان را جوانان امروز مصر کمتر پی می برند، ولی فصل های انقلاب انگیز آن هنوز الهام بخش تحولات و نعمه جاودان برای پیروان آن است، و هنوز پرده ای در قبال آن نیفتاده و آوای دلپذیرش در گوش ها طنین می افکند.

سرزمین مصر قهرمانانی را دیده است که روشنی بخش تاریخ بوده اند ولی ما در مقابل آنها دیواری بنا کرده ایم و یا ایشان را قصداً به فراموشی سپرده ایم، و آن روزگاری بود که دشمنی ها در برابر هر زعیم و رهبری سر می کشید و ما بعد از آن ندامت می کشیدیم و به تذکار قردانی از عظمت رادمردان خود می پرداختیم تا از آنچه رخ داده بهره مندی یابیم و یا برداشتی از کیفیت حوادث بنمائیم. و آنانرا بشناسیم که حوادث بزرگ را در تاریخ ما خلق کرده اند و ما مصری ها مردمی هستیم که در جهان شهرت نیکو و نام درخشان داریم.

شاید روشنترین دلیل شعور تازه ما این باشد که می خواهیم حقایق از آن رادمردان به دست آوریم و یاد و بود شانرا گرامی بداریم. در پیشگاه عظمت سید جمال الدین افغان تقدیر فراوان بجا می آوریم. این یاد و بود از او، مؤمنان را در محبت وطن ما منفعت رسانده و احساس آنها را برای اعتقاد به عربی بودن شان بر می انگیزد.

پیش از آنکه به اسکندریه برویم و گفتگوی پیشوایان فکری معاصران مصر و افغانستان را بشنویم ناگزیریم به عقب برگردیم و به صد سال پیش بنگریم تا مردی را ارزیابی کنیم. موافق او، پیکارهای او را که با شجاعت و دلاوری علیه ظلم و ستمگران ایستادگی کرد به خاطر بیاوریم. سپس پیرامون سیمینار بزرگی صحبت کنیم که در اسکندریه به این مناسبت با اشتراک دولت و ملت مصر با قرائت پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت افغانستان آغاز گردیده است.

سید جمال الدین افغانی در برج شعبان سال ۱۲۵۴ قمری مطابق به سال ۱۸۳۸م در ولایت کنر افغانستان در یک خانواده با نفوذ و با شهرت نیک دنیا آمد.

او در هشت سالگی به آموختن درس و تعلیم پرداخت و در عنفوان جوانی او، بین امیر محمد اعظم خان پادشاه افغانستان و انگلیس و هواخواهانش برخورد سیاسی رخ داد که باعث بیقراری سید گردید و چنانچه از وی در باره زندگینامه اش پرسیدند، در جواب در چنین سخنانی انطباعات زندگی خود را بازگو نمود:

« این چه فایده دارد که گفته شود من در سال ۱۲۵۴ق با به عرصه زندگی نهاده ام و بیشتر از نیم قرن حیات بسر برده ام و مجبور شده ام کشور خود افغانستان را به نسبت بازی های اغراض و خود خواهی ها ترک بگویم. همچنین مجبور به ترک هند شوم. از مملکت مصر تبعید گردیدیم. و از اکثر پایتخت های روی زمین دور شدم. همه این احوال و خاطرات مرا مسرور نمیدارد.»

تاریخ تأیید می نماید که نسب سید جمال الدین افغان به یکی از امامان مشهور حدیث علی ترمذی میرسد و این سلسله تا امام حسین پسر علی بن ابی طالب سر میزند که از لحاظ فکری و علمی در پی ریزی تمدن عربی و زبان عرب

نقش داشته و از بارزترین چهره های تمدن اسلامی شمرده می شود. به شهادت تاریخ همینکه سید جمال الدین افغان در سن ۱۸ سالگی تعلیمات خود را در لغت و تاریخ و علوم شرعی و منطق و ریاضی و حتی طب و تشریح به پایان رسانید. در همین روزگار بود که به مبارزه سیاسی و پیکار نظامی دست یازید تا دامن نفوذ انگلیس را از افغانستان و اینجا و آنجا برچیند.

در هندوستان دریافت که تسلط استعمار شیرازه وحدت هند را برهم زده است، و آشفتگی اوضاع را چنان دید که استعمارگران بر مردم هجوم میبندند.

خامه اش سلاح او بود و رساله او راجع به رد دهریون با پختگی تمام پیش شد. در این باره دانشمند ارجمند امام محمد عبده شاگرد وفادار سید می گوید: «آنچه سید جمال الدین افغان را به تصنیف این رساله واداشت، اندوهی بود که در اثر مظالم انگلیس وجودش را فرا گرفت. زیرا میدید که حکومت انگلیس در هند مردم را به واگذاری و انحلال پیوند ایمان و عقیده فریب میدهد.»

صد سال پیش (از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۹) :

سید جمال الدین افغان بعد از اینکه به چندین کشور شرقی مسافرت نمود، و تلخی ها و شیرینی های زندگی، کام جانش را تر ساخت به مکه و مدینه رفت و در آنجا جامعه اسلامی بر وی سخت تأثیر افکند و با خود اندیشید و به خاطرش گذشت که لازم است یک پوهنتون اسلامی عربی تأسیس گردد و به همین سبب بود که جمعیتی را به نام (ام القری) تشکیل نمود که شامل نمایندگان دول اسلامی بود و هدف آنرا وحدت ملل اسلامی احتوا میکرد.

شیخ محمد عبده شاگرد وفادار سید جمال الدین افغان و شیخ حسن الطویل با وی همراهی می کردند و با کمک آنها بود که دروسش را تهیه کرده در جامع الازهر تدریس می کرد و تشنگان معرفت را سیراب می ساخت. درس های سید جمال الدین افغان مشتمل بر دوستی وطن و نفرت از استعمار بود و در نهایت چنین عقیده ای را در گفتار خویش به مردم مصر بیان می داشت که می گفت: «ای مصری ها مانند دیگر ملت ها آزاد و خوشبخت زندگی کنید و یا در این راه شهید شوید و به ثواب نایل آید.» (۳) این تبلیغی بود که پیش از سید جمال الدین افغان مصری ها به آن آشنایی نداشتند و انسان عادی مصر آنرا نشنیده بود. لیکن سید جمال الدین افغان با صراحت اظهارش کرد تا راه خود را بروی هر فرد مصری بگشاید.

آنگاه که آن فرزند برومند افغانستان تاریخ زندگی خود را به مردم مصر پیش کشید، آنان را به تعالیم سید جمال الدین افغان معرفت حاصل آمد. زیرا سخنانش شنیدنی و خواندنی بود و در قلب و روح شنونده تأثیر می کرد زیرا از قلبی برمی خاست که الهام دهنده پیوند دل ها بود.

سید جمال الدین افغان قسمتی از عمر جوانی خود را در سرزمینش افغانستان اقامت نمود. در فرصتی که وسایل اطلاعاتی وجود نداشت تا تعلیمات سید را نشر و پخش نماید مردم به کنفرانس ها و رهنمایی های او گوش میدادند. مردی که آتش سوزان ایزدی وجودش را فرا گرفته بود و به تعبیر یونانیان در گذشته های دور به او گرمی محبت خدایی رسیده بود و یا اینکه او قاصد پروردگار یا سفیر خدا در روی زمین الهی بود. اگر این تعبیر درست باشد، باید

گفت که سید جمال الدین افغان مصر را پایگاه پیشرفت های خود در تحولات کلی چهره شرق میدانست. او در باره مصر چنین گفته است:

«مصر محبوب ترین و عزیز ترین کشور نزد من است. مصر دروازه حرمین است. اگر مصری ها متحد گردند و ملت واحدی را تشکیل دهند که آزادی را ضرورت زندگی بدانند، آنرا به هیچوجه از دست نخواهند داد و با ثابت قدمی در مقابل ظلم و ستمگری خواهند ایستاد و با صبر و شکیبایی پیوند های خود را متین خواهند داشت. به مصری ها مزده آینده نیک و رسیدن به آزادی بدهید.»

چنانکه در مورد مصری ها گوید:

«آنها احفاد و بازماندگان غازیان و فاتحان عزیزترین قبایل اعراب اند و برادران بزرگ ایشان به ذریعه های آنهایی میرسند که آثار شان به عظمت و همت عالی آنها دلالت میکند.»

سید جمال الدین افغان مردی بود که شعار (مصر برای مصری ها)* را بلند کرد و نخستین بار طرح و تهداب حزب ملی را به صورت پنهانی ریخت، که در آن مردان انقلاب شکوهمند عربی پیوستند. موقف او در مورد خلافت عثمانی در مصر متدرجاً روشن گردید و این موضوع را در میان گذاشت که باید راجع به رهبری غیر عرب که به قیادت اعراب بپردازد تجدید نظر شود.

سید جمال الدین افغان به مردم مصر مؤکداً اصرار میداشت که تلاش استعمار و خطری که از این ناحیه متوجه است، دشمن اساسی جهان اسلام بشمارند و از همین جاست که می بینیم سید جمال الدین افغان با تمام نیرو و امکانات خود در پیکار ضد این خطر قرار گرفت، و شعار (تساند و همکاری)، (وحدت و اتحاد) را اساس کار خود قبول کرد تا در مقابل آن خطر قد علم کند.

سید جمال الدین افغان از اینکه سلطان عبدالحمید تغییری در سیاست خود نیاورد، نومید گردید و بالموافقه با او تصادم نموده برایش گفت: «من آمده ام تا به اطلاع شما برسانم که از بیعت خود بازگشته ام. من به خلافت بیعت نموده بودم و خلیفه را سزاوار نیست که در وعده خود راستکار و صادق نباشد.»

این بود موقف سید جمال الدین افغان که با شجاعت بینظیر در مقابل زمامداران و حکام مشاهده شد که تا آن زمان هیچ سابقه نداشت، آنهم در فرصتی که مردم فرمان برداری از حکام را به منزله پرستش اصنام می پنداشتند.

در سال های ۱۸۷۱ و ۱۸۷۹ م در سرزمین مصر سید با صراحت تمام گفت: «آنچه ملتی را از ملت دیگر متمایز می سازد زبان و لغت آن است. ملل عربی پیش از آنکه پیرو دین و مذهبی باشند (عرب) استند و این امریست روشن که نیازی به دلیل و برهان ندارد.»

ادامه دارد

(۱) به قرار معلومات جناب استاد دوست محمد بدخشی، این عکس در سال ۱۳۱۳ قمری برابر با ۱۸۹۶ م در ترکیه اخذ شده است، و سید افغانی این فوتوی خویش را به دوست هموطنش برهان الدین بلخی اهدا کرده است و در

نشرات افغانی باربار به چاپ رسیده است، شاید نخستین بار در کتاب تتمه البیان فی تاریخ الافغان ترجمه مرحوم مولانا خوگیانی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی. تصادف نیک همین است که متن عربی کتاب در سال ۱۳۱۸ هجری قمری در مصر به چاپ رسیده است.)

(۲) کتاب رساله ها و مقالات درباره سید جمال الدین افغان از حبیب الرحمن جدیر، ص ۴ - مؤسسه انتشارات بیهقی کابل - افغانستان

(۳) ص ۱۲ تا ۲۴ - همان کتاب - مجله «آخر الساعه» اول سپتمبر ۱۹۷۶ - نویسنده محمد نصر - مترجم حبیب الرحمن جدیر

(۴) به قرار معلومات جناب دوست محمد بدخشی، هدف، انقلاب احمد عربی پاشا - به ضم عین - از دوستان و پیروان سید افغانی است که بعداً به سرانديپ، سیلون یا سریلانکای امروز تبعید گردید.

(۵) در این جمله می بینیم که سید جمال الدین افغانی هم یکنیم صد سال قبل مردم را به جهاد و شهادت تشویق میکند خدا کند این توصیه سید هم تشویق مبارزات انتحاری تعبیر نشود. (ولی احمد نوری)

* این شعار را امروز در قرن ۲۱ حزب (جبهه ملی) فرانسه تحریک فاشیستی راست افراطی این کشور میدهد : (فرانسه برای فرانسوی)

ولی این پیام از پیام سید در آنزمان و کشور مصر که از بیگانه ها اشغال شده بود فرق دارد چه شعار سید بر ضد اشغالگران و امپریالیزم بود، در حالیه پیام رهبر حزب راستی افراطی فرانسه با این پیامش حضور خارجی ها را در فرانسه نمی خواهد. (ولی احمد نوری)

به قرار معلومات جناب استاد دوست محمد بدخشی



برای مطالب دیگر ولی احمد نوری روی عکس کلیک کنید